

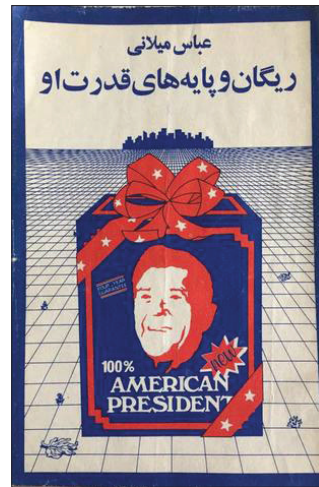


## چه کسانی پشت ترومپ بودند؟ داستان عجیب خانواده دونالد! و پشتوانه‌های صهیونیستی آن

### دکتر مظفر نامدار

بعد از انقلاب فرهنگی، برای من به عنوان اولین نسل از دانشجویان انقلابی رشته علوم سیاسی دانشگاه تهران، شناخت ساختار سیاسی، امنیتی و اقتصادی امریکا بیش از هر چیز دیگر اهمیت داشت. امریکا به عنوان کینه‌توزترین دشمن انقلاب اسلامی و دولتی که معمار بزرگ انقلاب اسلامی از آن به عنوان شیطان بزرگ یاد کرده بود، در رأس دشمنان ملت ایران قرار داشت و دانستن از این شیطان و مکانیسم عملکرد آن، یک قاعده عقلی در سنت انقلابی به حساب می‌آمد. برای ما شناخت دشمن اصلی انقلاب اسلامی، عامل اصلی عقب‌ماندگی ایران، عنصر اساسی حفظ دیکتاتوری سیاه رژیم پهلوی، غارتگر نفت ایران، نابودکننده ذخایر انسانی و مادی این کشور، عامل اصلی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و ساقط‌کننده دولت ملی در ایران، زنده‌کننده خاطره شوم قرارداد ننگین کاپیتولاسیون، عامل اصلی تبعید رهبر بزرگ ملت ایران امام خمینی، امپریالیسم بزرگ و از همه تعابیر دقیق‌تر و عمیق‌تر، همان شیطان بزرگی که امام خمینی فرموده بود، یک دغدغه اصلی و اساسی بود.

شوق مطالعات تنوع‌یك درباره شیطان بزرگ در من آنچنان شدید بود که در



همان ترم‌های ابتدایی (ترم سوم - سال ۶۳) درس سیاست و حکومت در امریکا را مشتاقانه انتخاب کردم تا شاید از استاد این درس که اسمش عباس میلانی بود و به تازگی اثری به نام ریگان و پایه‌های قدرت/و منتشر کرده بود، چیزی یاد بگیرم.

البته عباس میلانی در آن دوران برای ما دانشجویان انقلابی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران استاد دلچسب و قابل احترامی نبود. بعضی از اساتید که ژست انقلابی‌گری در آن دوران داشتند و تعدادی از دانشجویان باقی‌مانده از دوران قبل از انقلاب، از او با نفرت یاد می‌کردند و او را

عنصری خودفروخته و بی‌اراده می‌دانستند که به رغم نداشتن ظرفیت‌های مبارزه، وارد صحنه مبارزه شد و پس از دستگیری با خوردن یک سیلی از دست ساواک، فرو ریخت و از دیکتاتور بزرگ تقاضای عفو کرد.

عباس میلانی ظاهراً در دوران تحصیلات یکی از اعضای سازمان انقلابی حزب توده و تشکیلات کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در اروپا بود که در سال ۱۳۵۶ به اتهام عضویت در سازمان‌های کمونیستی توسط ساواک دستگیر و به یک سال حبس محکوم شد. ولی پس از مدت کوتاهی با نوشتن یک توبه‌نامه اظهار پشیمانی و تقاضای عفو کرد و ظاهراً با واسطه‌گری هویدا و دخالت فرح پهلوی و تحت شرایط ویژه آن دوران، مورد عفو شخص شاه قرار گرفت.<sup>۱</sup> اما آنچه عجیب است این که عباس میلانی توبه‌نامه خود را وقتی نوشت که صدای انقلاب مردم ایران بسیار واضح شنیده می‌شد. اما ظاهراً ظرفیت‌های مبارزاتی او بیش از اندازه تهی بود و مبادی‌های ایدئولوژیک او مانند مبادی‌های ایدئولوژیک بسیاری از منورالفکران غرب پرست، استعداد شنیدن صداهای مردم را نداشت.

بعضی از دانشجویان نسل قبل از انقلاب اسلامی که به انقلاب فرهنگی برخورد کرده بودند و ادامه تحصیل آنها به دوره بازگشایی دانشگاه‌ها منتقل شد نیز کم و بیش از او با نفرت یاد می‌کردند و او را عنصری سست عقیده و حتی خودفروخته می‌دانستند که خیلی راحت به مهره رژیم پهلوی تبدیل شد و کرسی دانشگاهی گرفت. رفتارهای

۱. البته عباس میلانی بعد از رفتن به امریکا با نوشتن کتاب‌های معمای هویدا/ و نگاهی به شاه، لطف هویدا و فرح پهلوی را جبران کرد.

در امریکا صهیونیست‌های حکومت‌گر فقط از یهودیان حمایت نمی‌کنند بلکه از افرادی که مذهب یهودی ندارند ولی در آینده می‌توانند در خدمت اهداف صهیونیستی باشند نیز حمایت می‌کنند

بعدی عباس میلانی تا حدود زیادی این فرضیه را تأیید می‌کند. او کلاً بعد از نوشتن آن توبه‌نامه احساس حقارت می‌کرد و سایه سنگین نگاه‌های آنچنانی دانشجویان انقلابی را در کلاس درس حس می‌نمود و در رفتارهای خود این حقارت را نشان می‌داد و شاید به همین اعتبار بود که توان ماندن در ایران را نداشت.

البته بعضی از اساتیدی که در آن دوران خود را

انقلابی دو آتشه معرفی می‌کردند<sup>۱</sup> از اساس او را عامل ساواک در دانشگاه می‌دانستند و معتقد بودند که ژست‌های مبارزاتی امثال وی نیز دروغ و نیرنگی برای نزدیکی به نیروهای انقلابی دانشگاه و شناسایی آنها بود. مهم‌ترین دلیل پیوند عباس میلانی با ساواک، هویدا و فرح‌رادایی‌های عباس میلانی یعنی سید فخرالدین شادمان و سید ضیاءالدین شادمان می‌دانستند. سید فخرالدین شادمان عضو شورای فرهنگی سلطنتی بود و از سال ۱۳۲۷ تا سال ۱۳۴۴ در دولت‌های متعدد پست وزارت اقتصاد، کشاورزی و دادگستری و ده‌ها پست دیگر من جمله تولیت آستان قدس رضوی را از طرف دربار به عهده داشت و یکی از شاخص‌های «حلقه ماساچوستی‌ها» در ایران به حساب می‌آمد. البته فخرالدین شادمان برخلاف خواهرزاده بی‌هویت خود به رغم این که کارگزار حکومت پهلوی بود ولی شخصیت فرهنگی جالبی داشت. کتاب *تسخیر تمدن فرهنگی* آوی، آن هم در دوران پس از دیکتاتوری سیاه رضاخان در سال‌های اولیه دهه بیست که به نوعی انتقاد از سیاست‌های فرهنگی رضاخان به حساب می‌آمد و انتقاد شدید وی از بی‌هویتی غرب پرستان و همچنین دفاع جانانه از فرهنگ ایران اسلامی و زبان شیرین فارسی، هنوز از حافظه تاریخی ملت ایران پاک نشده است. همچنان که کتاب *تراژدی فرنگ* او نیز کتابی خواندنی است. اصطلاح «فکلی» از جمله اصطلاحاتی است که برای اولین بار در آثار او مورد نقد قرار گرفته است. او در اوایل کتاب *تسخیر تمدن فرهنگی* می‌نویسد:

امروز ایرانی به بلایی گرفتار شده که بدتر از آن هرگز ندیده است. این بلای عظیم چیست، این خصم بزرگ کیست، از کجا و از چه نژاد است، چه حربه‌ای

۱. مثل دکتر رضارئیس طوسی عضو هیئت مؤسس جنبش ملی مجاهدین (منافقین) در انگلیس که به دلیل بی‌اعتنایی و به بازی گرفته نشدن آنها توسط مسعود رجوی در کادر مرکزی سازمان منافقین، از او جدا شده و کتاب *روند جدا/بی‌را با دو نفر از همفکران خود در پاسخ به رجوی نوشتند*؛ و همچنین محمد محمدی گرگانی عضو سازمان منافقین و بعداً عضو جنبش مسلمانان مبارز.

۲. رک: *تسخیر تمدن فرهنگی*، بی‌نا، ۱۳۲۶ و همچنین *تراژدی فرنگ*، تهران، طهوری، ۱۳۴۶.



دارد و از ما چه می خواهد؟ نام زشت این دشمن پلید «فکلی» است. فکلی بدخواه و عدو جان ماست. فکلی بدترین و پست ترین دشمن ملت ایرانست. تعریف کامل فکلی... در یکی، دو جمله نمی گنجد و چاره آن است که بعضی از علائم او نوشته شود تا فکلی شناسی آسان گردد. فکلی را به جامه و شغل و دین و محل تحصیل نمی توان شناخت. آخوند و آخوندزاده، سید و عام، فرنگ رفته و بغداد ندیده، تاجر و تاجر زاده، زن و مرد، استاد و شاگرد، معلم و مدرس، دیندار و بی دین بسیارست. فکلی ایرانی، بی شرم نیمه زبانی است که کمی زبان فرنگی و از آن کمتر فارسی یاد گرفته و مدعیست که می تواند به زبانی که آن را نمی داند تمدن فرنگی را که نمی شناسد، برای ما وصف کند.<sup>۲</sup> البته فخرالدین شادمان نمی دانست که در آینده خواهرزاده او یکی از این فکلی ها خواهد بود.

با همه این تفصیلات، بدنامی استاد درس سیاست و حکومت در امریکا چیزی از علاقه من برای شناخت دقیق و عمیق شیطان بزرگ کم نکرد زیرا در آن دوران این درس به دلیل تخصصی بودن، استاد دیگری نداشت و به ندرت ارایه می گردید.

تا پایان نیم سال، حضور در کلاس درس سیاست و حکومت در امریکای عباس میلانی اندوخته خاصی، بیش از آنچه که قبل از ورود به دانشگاه با مطالعه متون مربوط به امریکا کسب کرده بودم، اضافه نکرد. او جز همان بخش بسیار مختصری از کتاب ریگان و پایه های قدرت/ او را در کلاس مطرح نکرد و نشان می داد که اصولاً شناخت عمیق و دقیقی از مکانیسم قدرت و حکومت و تاریخ در این کشور ندارد.

از آن تاریخ تا به امروز دانستم که از دل متون تدریسی دانشگاه ها و اساتید آن به شکل عمومی در حوزه علوم سیاسی چیزی به دست نمی آید جز استثنائاتی که بیشتر مربوط به درس های اسلامی علوم سیاسی بود. بنابراین شوق یادگیری خود را بر مطالعات متون بیرون از دانشگاه قرار دادم و هر نوشته ای که در مورد امریکا پیدا می کردم با ولع خاصی مطالعه می کردم تا شناختم از این دیو استبداد و استکبار عمیق تر و دقیق تر شود و از مکانیسم قدرت های پنهانی درون امریکا که ساختار تصمیم سازی و تصمیم گیری در این کشور را شکل می داد مطالب بیشتری بدانم.

در طول این دوران برای من، کمیسیون سه جانبه، شورای روابط خارجی، استراتژی

۱. «فکلی» در قدیم به فرنگی مآبان یا همان منور الفکرها اطلاق می شد.

۲. تسخیر تمدن فرنگی، همان، ص ۱۳.

امنیت ملی امریکا، بیلدربرگ، راکفلرها، روچیلدها، مورگان‌ها، بانک فدرال رزرو، سیستم‌های امپراتوری‌سازی، دموکراسی لیبرال، حقوق بشر، سازمان سیا، مؤسسه سلطنتی امور بین‌الملل، مک‌دونالد، جنرال موتورز، بنگاه‌های آلفابت، سرفرانسیس بیکن و آتلانتیس جدید، فراماسونری، آپیک، ایوانجلیست‌ها، کوکلاسکلان‌ها، انگلوپروتستان، جنرال الکتریک، برده‌داری، کسینجر، نیکسون، برژینسکی، هانتینگتون و... کلیدواژه‌های تحریک‌کننده‌ای بودند که باید در هر شرایطی رصد می‌شدند.

هر اثری که به این کلیدواژه‌ها مربوط می‌شد را گردآوری و مطالعه کردم؛ از جمله کتب: *چه کسانی بر امریکا حکومت می‌کنند* اثر حزب مترقی کار امریکا، *توطئه جهانی* اثر جیم مارس، *سایه‌های قدرت* اثر جیمز پرلاف، *هیچ‌کس جرئت ندارد آن را توطئه بنامد* اثر گاری آلن، *کمیت ۳۰۰*، *سه‌جانبه‌گرایی* اثر هالی اسکالر، *روند سلطه‌گری* اثر استیفن امبروز، *تغییرات امریکایی* اثر کوین فیلیپس، *تراست مغزهای امپراتوری* اثر لورنس اچ. شوب؛ *آنها بی‌پرده سخن می‌گویند* اثر پل فیندلی، *فریب‌های عمدی*؛ *حقیقتی درباره روابط امریکا و اسرائیل* اثر پل فیندلی و ده‌ها کتاب دیگر...

در سال ۱۳۸۸، در اوج فتنه‌ای که ارکان نظام جمهوری اسلامی از طریق کارگزاران نادانی چون: میرحسین موسوی، مهدی کروبی، محمد خاتمی و تنی چند از عمله‌ها و لمپن‌های سیاسی وابسته به دیوانسالاری ایران مورد تهاجم ناجوانمردانه قرار گرفت و دست آشکار و پنهان امریکا و صهیونیسم در آن وجود داشت، اثری از مایکل کالینز پایپر<sup>۱</sup> به نام *قدرت*

۱. از این نویسنده کتاب‌های ذیل در ایران به فارسی ترجمه و منتشر شده است:

- *امریکا؛ اورشلیم جدید (قدرت صهیونیست در امریکا)*، ترجمه علی پاک‌سرت، پارسا، ۱۳۹۵، ۳۰۰ صفحه، قطع رقیعی (یک ترجمه دیگر از همین کتاب نیز در سال ۱۳۸۸ توسط مؤسسه پژوهش فرهنگ و هنر و ارتباطات چاپ شده است).

- *اسرار کثیف جنایت، توطئه و لاپوشانی در قرن بیستم؛ مجموعه‌ای از نوشته‌ها و مصاحبه‌های مایکل کالینز پایپر و مروری بر آثار وی*، ترجمه بهمن نورایی بیدخت، مؤسسه پژوهش فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۸۸، ۳۵۹ صفحه، قطع وزیری

- *قضاوت نهایی (ارتباط مفقود در توطئه ترور جان اف. کندی)*، ترجمه محمدعلی شیخان علیان، مؤسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۸۸، ۳۸۴ صفحه، قطع وزیری

- *جنگ طلبان بزرگ*، ترجمه عباس کشاورز لشکری و نفیسه راجی، مؤسسه پژوهشی فرهنگ هنر و ارتباطات، ۱۳۸۸، ۱۷۲ صفحه، قطع وزیری

این فعال و نویسنده منتقد امریکایی به دلیل مشکلات قلبی در سن ۵۴ سالگی در ۹۴/۳/۱۴ درگذشت. او در سال ۲۰۰۶ علاوه بر نویسندگی، برنامه‌رادیویی «گزارش پایپر» را آغاز کرد که در آن علیه سیستم حاکم امریکا انتقاداتی را مطرح می‌کرد. فعالیت او علیه لابی‌های صهیونیستی و نقش آنها در سیاست خارجی امریکا بود.

مایکل کالینز پایپر یکی از منتقدان رژیم صهیونیستی در امریکا بود که حق آزادی بیان را برای منکرین هولوکاست محفوظ می‌دانست. وی در یک خانواده کاتولیک ایرلندی رشد یافته بود و انگیزه خود از ورود به عرصه انتقاد از سیستم حاکم امریکا را تجربه تلخ برادرش در جنگ ویتنام معرفی می‌کرد که هیچ‌گاه از آثار جسمی و روانی این جنگ بهبود نیافت. (تسنیم، ۹۴/۳/۱۴، صفحه بین‌الملل)



دونالد ترامپ شبیه رونالد ریگان یا هیچ سیاستمدار دیگر امریکایی نیست. او یک قمارباز بزرگ و حرفه‌ای است. تمام قماربازان حرفه‌ای چند ویژگی مشابه هم دارند. اولاً؛ شدیداً اهل ریسک هستند. ثانیاً؛ شدیداً معتقد به شانس هستند و ثالثاً اصرار به ادامه بازی تا مرحله برنده شدن دارند

پنهان در امریکا منتشر شد که آقای علیرضا عبارتی آن را ترجمه و مؤسسه روایت فتح آن را منتشر کرده بود.

طبق اهداف و عاداتی که شرح دادم، این اثر را هم ابتیاع و مطالعه کردم. بخش عمده مطالب این اثر درباره نفوذ پیچیده لابی‌های صهیونیسم و یهود در ارکان قدرت امریکا در کنار سایر لابی‌ها مثل لابی اسلحه، لابی بانخشستگان، لابی سرمایه، لابی انرژی، لابی هسته‌ای، لابی

همجنس‌بازان و ده‌ها لابی دیگر بود. عنوان یک بخش از این اثر در کنار سایر بخش‌ها به هر دلیلی توجه مرا به خود جلب کرد.

### چه کسانی پشت ترومپ بودند؟ داستان عجیب خانواده دونالد!

در آن دوران، نام ترامپ در ساختار سیاسی امریکا اصلاً مطرح نبود ولی این متن که درباره نقش یهود در ارتقای سرمایه و ثروت ترامپ و خانواده وی<sup>۱</sup> بود چون تا آن موقع به گوشم نخورده بود، جالب به نظر آمد. مقاله را خواندم و متوجه شدم که در امریکا صهیونیست‌های حکومت‌گر فقط از یهودیان حمایت نمی‌کنند بلکه از افرادی که مذهب یهودی ندارند ولی در آینده می‌توانند در خدمت اهداف صهیونیستی باشند نیز حمایت می‌کنند. در همان دوران ترامپ را در موتورهای جست‌وجو در پایگاه‌های اینترنتی رصد کردم دیدم در سال ۸۸ نشان چندانی از ترامپ و آثار وی در ایران نیست.

از سال ۱۳۸۹ آرام آرام آثار ترامپ که عموماً در حوزه موفقیت‌های اقتصادی وی بود در ایران ترجمه شد اما مترجمین این آثار هیچ‌گاه تصور نمی‌کردند که روزی ترامپ رئیس‌جمهور امریکا شود.<sup>۲</sup> اکنون که مجدداً به این اثر رجوع کردم و مقاله «چه کسانی پشت ترامپ بودند» را عمیق‌تر مطالعه کردم احساس می‌کنم خواندن این مقاله بسیار

۱. هم‌اکنون نزدیک‌ترین عضو یهودی در خانواده ترامپ جرد کوری کوشنر داماد او و همسر ایوانکا ترامپ است. کوشنر پسر ساختمان‌ساز امریکایی چارلز کوشنر است. جرد کوشنر تاجر، سرمایه‌گذار در املاک و مستغلات و ناشر امریکایی و مشاور ارشد دونالد ترامپ رئیس‌جمهور امریکا است. او در سال ۲۰۰۷ و در ۲۶ سالگی گران‌قیمت‌ترین خرید مالکیت یک ساختمان را در تاریخ امریکا انجام داد. او از سوی ترامپ مأمور حل و فصل مسئله خاورمیانه یعنی مسئله فلسطین است.

۲. البته معلوم نیست؛ شاید ورود و ترجمه این آثار در این دوران در ایران فرآیند برنامه‌ریزی شده‌ای باشد که ممکن است مترجمین آن هم در جریان نباشند!

مختصر ولی عمیق و دقیق می تواند به ما کمک کند تا سردمدار فعلی جلال و جبروت شیطان بزرگ را بهتر درک کنیم.



به نظر من دونالد ترامپ شبیه رونالد ریگان یا هیچ سیاستمدار دیگر آمریکایی نیست. او یک قمار باز بزرگ و حرفه‌ای است. تمام قماربازان حرفه‌ای چند ویژگی مشابه هم دارند. اولاً؛ شدیداً اهل ریسک هستند. ثانیاً؛ شدیداً معتقد به شانس هستند و ثالثاً اصرار به ادامه بازی تا مرحله برنده شدن دارند. حتی اگر شانس برای برنده شدن نداشته باشند ولی تا همه چیز خود را از دست ندهند به بازی ادامه خواهند داد.

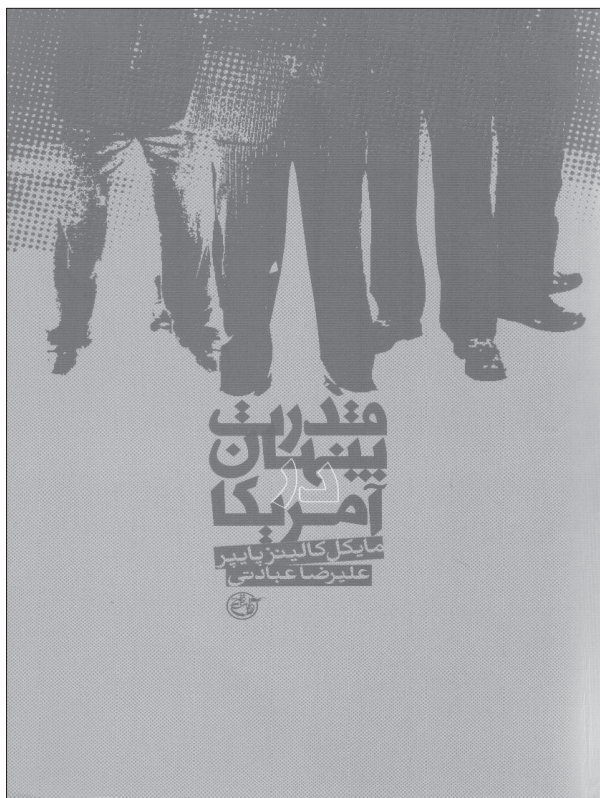
این برای ما که آمریکا را عنودترین دشمن انقلاب اسلامی و شیطان بزرگ می دانیم هم فرصت است و هم تهدید. مایکل کالینز در این مقاله ویژگی‌های دقیقی از این قمار باز و جریان عظیم صهیونیستی حامی وی ارائه می دهد:

۱. شبکه عظیم حامیان ثروتمند صهیونیست
۲. آشنایی کامل با هنر معامله (نام یک اثر از ترامپ)
۳. آشنایی کامل با مکانیسم‌های جرزنی در معامله و به هم زدن میز قمار
۴. پیوند با شبکه‌های زیرزمینی فساد در دنیا
۵. پیوند با قمارخانه‌ها و قماربازان قهار دنیا
۶. عدم پایبندی به قاعده، قانون و توافق
۷. اعتماد به نفس بی پشتوانه
۸. وعده و وعیدهای ناممکن در آینده مبهم و موهوم
۹. تجارت معطوف به قدرت (موضوع یک اثر دیگر ترامپ)



۱۰. هنر بازگشت از شکست (موضوع یک اثر دیگر ترامپ)  
۱۱. اعتقاد عمیق به قابلیت تجارت سیاست داخلی و خارجی امریکا (نام یک کتاب ترامپ)

۱۲. عدم اعتقاد به تسلیم شدن (یک اثر دیگر ترامپ)  
به همه دولتمردانی که هنوز امیدی به امریکا و مذاکره با او دارند و پیشرفت، رشد، حفظ استقلال و آزادی ایران را در دالان‌های مؤسسات ژنو و اتاق‌های مذاکرات سازمان ملل و تحریک عواطف امپریالیستی و ایران‌هراسی و اسلام‌هراسی امریکا و انگلیس جست‌وجو می‌کنند، تا شاید با کمک آنها و دیو و دلبرسازی‌های چپ و راست در دل شیطان بزرگ آرایبی در داخل برای خود دست و پا کنند تا مدتی دیگر بر اریکه قدرت و امارت تکیه زنند توصیه می‌کنیم این مقاله مختصر را مطالعه کنند؛ شاید به ذهنیت‌های به هم ریخته دیوانسالاری ایران کمکی کند.





این کتاب ترجمه‌ی کتاب زیر است:  
The New Jerusalem  
Michael Collins Piper  
American Free Press, 2003



---

### قدرت پنهان در آمریکا

---

مایکل کالینز پایپر

مترجم: علیرضا عبادتی

نوبت چاپ: اول، ۱۳۸۸، شمارگان: ۲۲۰۰ نسخه

ویراستار: سیدحمید رهنما، پانویس: رحیم قاسمیان

طراح جلد: ایمان نوری نجفی، ناظر چاپ: حمید علی محمدی

لیتوگرافی: مقدم، چاپ: پایدار

شابک: ۲-۹۵-۷۵۲۹-۹۶۴-۹۷۸، قیمت: ۳۵۰۰۰ ریال

حقوق چاپ و نشر برای روایت فتح محفوظ است. تلفن: ۴۸۴۶۰۸۸۸

---





### چه کسانی پشت ترومپ بودند داستان عجیب خانوادگی دونالد

دونالد ترومپ یهودی نیست، اما کنکاشی در سابقه‌ی این بازرگان آمریکایی شناخت شگفت‌آوری در مسیر پیشرفت ترومپ به سمت قدرت و نفوذ فراهم می‌آورد، چون حقیقت این است که صعود ستاره‌ی اقبال ترومپ، بی‌آمد مستقیم نقش رنگارنگی است که حامیان ثروتمند پشت صحنه برایش طراحی کرده‌اند تا اعمال اصلی در لفافه بماند.

داستان این تاجر پُررنگ ولعاب (اکنون ستاره‌ی تلویزیون است) که به «دونالد» معروف است، نشان می‌دهد چگونه افراد غیر یهودی و منافع مالی می‌توانند با حمایت یهودیان به اوج ترقی برسند.

البته همه درباره‌ی قمار ترومپ و ارتباط وسیع و دامنه‌دار بین صنعت قمار و جنایت سازمان‌یافته می‌دانند. اما قصه بسیار فراتر از این‌ها است. ترومپ با افتخار در کتاب «هنر معامله»<sup>۱</sup> می‌نویسد که چگونه در سال ۱۹۸۷ اولین کازینو را بعد از خرید ۹۳ درصد سهم ریزورتس اینترنشنال<sup>۲</sup> خریداری کرده است.

1. The Art of Deal

۲. Resorts International: کازینوی قمار در آتلانتیک سیتی در نیوجرسی.

#### ۱۳۴ ■ قدرت پنهان در آمریکا

آنچه ترومپ در این کتاب به خوانندگانش نمی‌گوید، اندرو سنت جورج در گزارش سی‌ام اکتبر ۱۹۷۸ در نشریه‌ی اسپات لایت (و شماره‌ی پیشین آن بیست و پنجم سپتامبر ۱۹۷۸) ذکر کرده است «ریزورتس اینترنشنال را دو خانواده‌ی راکفلر و روجیلد با حمایت سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) و موساد اسرائیل تأسیس کردند.»

اسپات لایت با تأکید بر فعالیت‌های ریزورتس اینترنشنال مروری مبسوط بر رویدادهای برهیاہوی «از پیش تدارک‌شده»ی عوامل زیرزمینی قمار ارائه می‌کند.

مطلبی که باعث شد این گزارش جنجال به پا کند، این بود که در این نشریه به ارتباط و همکاری سیاستمداران محترم و صاحب نفوذ، مقام‌های پلیس و قضایی، سرمایه‌گذاران وال‌استریت که وام‌های کلان برای ساخت قمارخانه‌هایشان می‌گرفتند و افراد بلندپایه‌ی فعالی اشاره شده بود که در ساخت و اداری قمارخانه‌های غیرقانونی دست داشتند.

به علاوه، همان‌طور که سنت جورج اشاره کرده، بسیاری از این تفریحگاه‌ها و قمارخانه‌ها را اراذل و اوباش می‌گرداندند و این کار را از طریق افرادی انجام می‌دهند که برای شهرت و ثروت حاضرند پیش‌قراول شوند. در حقیقت آن‌ها رابط‌های گانگسترهای پشت صحنه‌ای هستند که به سیا و موساد در پول‌شویی حاصل از قمار و مواد مخدر کمک می‌کنند تا هزینه‌ی عملیات پنهانی این دو آژانس جاسوسی را فراهم کنند. در عوض سیا و موساد از نفوذ خود در «حفاظت» از فعالیت‌های غیرقانونی قمار، جلوگیری اعمال قانون توسط پلیس و نیروی قضایی استفاده می‌کند.

سؤال این است از چه زمانی دونالد ترومپ برای ریاست این مراکز قمارخانه‌ای مناسب تشخیص داده شد؟ برای پاسخ به این سؤال به خاستگاه مبهم و تیره‌ی ریزورتس اینترنشنال نگاهی می‌اندازیم.

ریزورتس را آلن دالس، رئیس وقت سیا و دوست نزدیکش توماس ای. دیویی، فرماندار نیویورک در دهه‌ی ۱۹۵۰ به عنوان پروژه‌ای برای سرپوش





#### چه کسانی پشت ترومپ بودند ■ ۱۳۵

گذاشتن بر فعالیت‌های خود ایجاد کردند. آن‌ها نام بی‌ضرر شرکت رنگ مری کارتر را برای این شرکت انتخاب کردند. این شرکت در ظاهر فروشگاه‌های زنجیره‌ای فروش رنگ در سطح ملی دایر کرد، اما در باطن وظیفه‌ی اصلی آن پول‌شویی فعالیت‌های پنهانی سیا بود. طبق گزارشی، دیویی و چند تن از دوستانش در خلال سال‌های ۵۹-۱۹۵۸ دو میلیون دلار از سرمایه‌های سیا را برای خرید سهام در پنگاه اقتصادی کرازبی-میلر صرف کرده‌اند (و ریاست آن را به جیمز کرازبی از دوستان دیویی سپردند) که بعد با شرکت رنگ مری کارتر ادغام شد. یکی از فعالیت‌های شرکت جدید، صرف نظر از کارهای مختلف دیگر، پول‌شویی برای تسلیح تبعیدیان ضد کاسترو، رهبر کوبا بود. همچنین این شرکت قمارخانه‌های بزرگی در سواحل کارائیب راه‌اندازی کرد؛ جایی که فعالیت سیا در آن زمان افزایش یافته بود. سیا به کمک سندیکای جنایت میرلانسی<sup>۱</sup> مشغول فعالیت در سواحل کارائیب بود. اسناد و مدارک این وقایع کاملاً منتشر شده و همه اطلاع دارند که این سندیکا برای سرنگونی فیدل کاسترو نقشه کشیده بود، به طوری که با خشم مردم مواجه شد و مردم قمارخانه‌های این شرکت را در کوبا تعطیل کردند.

بنابراین تعجبی ندارد که سال ۱۹۶۳ ارتباط نزدیک آلوین مالنیک<sup>۲</sup>، از سرسیردگان اصلی سندیکای جنایت میرلانسی، با عملیات شرکت رنگ مری کارتر و قمارخانه‌های کوبا فاش شد.

تصور کنید چه تعداد از مردم قانون‌مدار آمریکایی محصولات رنگ مری کارتر را خریدند و در کمال تعجب، پول آن صرف سرمایه‌گذاری مشترک سیا با اراذل و اوباش شد. کل ماجرا پشت لیخند ملیح مری کارتر «بانوی خانه‌دار» که روی تمام محصولات شرکت حک شده، مخفی شده بود.

سال ۱۹۶۳ شرکت مری کارتر از رشد بخش تولید خود کاست و در عوض

۱. Lansky Crime Syndicate؛ میرلانسی (۱۹۸۳-۱۹۰۴) تیهکاری که با کمک چارلز لاسی لویانو، سندیکای تیهکاران مخوفی پدید آورده بود و در کار قمار فعالیت داشت.

2. Alvin Malnik

در سال‌های بعد قمارخانه‌هایش را به‌خصوص در جزایر باهاما توسعه بخشید. در سال‌های ۶۸-۱۹۶۷ رنگ مری کارت‌ها به‌طور رسمی به ریزورتس اینترنت‌شنال تغییر نام داد و فعالیت‌های گسترده‌اش را در بعد بین‌المللی آغاز کرد. نشریه‌ی اسپات لایت روشن کرد که چند سرمایه‌گذار عمده سرمایه‌ی کافی برای اقدام‌های ریزورتز را فراهم کردند:

۱. **ویپر لانسکی**، رئیس سرشناس هیئت‌مدیره و حامی مالی اصلی سندیکای قمار زیرزمینی نه تنها روابط دیرینه‌ی خود را با اسرائیل و موساد بلکه با سیا و جامعه‌ی جاسوسی آمریکا حفظ کرد.

۲. **دیوید راکفلر**، رئیس امپراتوری مالی راکفلر که نفوذ خانوادگی، روابط با سیا و بانک‌های جهانی را به خدمت گرفت تا در عملیات به کار گرفته شود.

۳. شرکت خدمات سرمایه‌گذاری برون مرزی (IOS) که در آن زمان بزرگ‌ترین مجموعه‌ی عظیم اقتصادی با دارایی به ارزش دوونیم میلیارد دلار بود. مدیر اسمی این نهاد برنارد کورنفیلد بود، اما در حقیقت او ابزاری برای لاپوشانی بر فعالیت‌های این نهاد بود. افراد اصلی پشت صحنه‌ی IOS عبارت بودند از ۱. **تیبز روزنهام** که مدیر مالی مستقر در سوئیس و از عوامل موساد بود که پشت صحنه‌ی معاملات تسلیحاتی مخفیانه را کنترل می‌کرد. او همچنین رئیس بانک کردیت اینترنت‌شنال ژنو و از رؤسای سندیکای پول‌شویی لانسکی در اروپا بود. ۲. **بارون ادموند دوروجیلد**، خانواده‌ی بانکی اروپایی که شراکت شخصی با روزنهام در انواعی از مخاطرات مرتبط با موساد داشت.

۴. سرمایه‌گذار دیگر **ویلیام ملون هیچکاک**، یکی از وارثان ثروت خانوادگی ملون بود (یکی از صاحبان ثروت خصوصی در آمریکا که سال‌ها روابط نزدیک خود را با سیا حفظ کرده است).

این‌ها سرمایه‌گذاران ریزورتس اینترنت‌شنال بودند که از طریق برنامه‌ی روابط عمومی و با کمک و پشتیبانی رسانه‌های آمریکا این افسانه را انتشار دادند که شرکت «جدید» قصد «پاکسازی» قمارخانه‌ها را دارد. این شرکت برای انتشار این داستان ساختگی، **مأموران سابق اف‌بی‌آی و سیا و قضات دادگستری** را (با





#### چه کسانی پشت ترومپ بودند ■ ۱۳۷

حقوق بسیار بالا) اجیر کرد تا به دنیا اطمینان دهند فعالیت‌های این قمارخانه‌ها «فاقد سندیکا» و «مطابق با ضوابط خانوادگی» است، هرچند حقیقت این نبود. ریزورتس اینترنشنال پله‌های رشد را یکی در میان طی کرد و به زودی به یکی از بزرگ‌ترین و پرسودترین مجموعه‌ی قمارخانه‌ها تبدیل شد. تا سال ۱۹۷۰، چهره‌های زیرزمینی که کازینوها را (همراه با شرکای پشت صحنه) اداره می‌کردند، به تدریج دامنه‌ی فعالیتشان را در ایالات متحده بسط دادند.

ویپر لانسکی، رئیس ارادل و اوپاش، نشست با شرکت افراد بلندپایه و چهره‌های سندیکای قمار در اکاپولکوی نیومکزیکو ترتیب داد. گانگسترهایی که در آن‌جا دور هم جمع شده بودند به از دست رفتن اهمیت تفریحگاه آتلانتیک‌سیتی به عنوان اولین هدفشان اشاره کردند. (تا پیش از این نشست، ارادل و اوپاش فقط در نوادا در خاک آمریکا قمارخانه‌ی قانونی و مجاز ایجاد کرده بودند.) تحت تأثیر این نشست، منابع مالی شرکت ریزورتس اینترنشنال پنهان و آشکار صرف چانه‌زنی برای قانونی کردن قمار در آتلانتیک‌سیتی شد و به محض آن که قانون‌گذاران ایالت نیوجرسی راه را هموار کردند، شرکت ریزورتس اینترنشنال وارد صحنه شد.

سال ۱۹۸۷ با مرگ جیمز کرازبی، عامل سیا و رئیس اسمی ریزورتس اینترنشنال، دونالد ترومپ، غول جوان املاک و مستغلات نیویورک، امپراتوری قمار کرازبی را خریداری کرد.

ترومپ در مدتی کوتاه به چهره‌ی محبوب خانه‌ها تبدیل شد. با آن شخصیت پر رنگ و لعابی که داشت، باعث شد از آن به بعد بسیاری از هتل‌های مجلل، آپارتمان‌ها، ساختمان‌ها و شرکت‌های تجاری نام او را برای خود برگزینند. اما درست زمانی که ترومپ تیتز نشریات را به خود اختصاص داد، نام عاملان و محرکان اصلی و پشت صحنه‌ی ریزورتس اینترنشنال از انظار عمومی مخفی باقی ماند.

با توجه به خاستگاه ریزورتس اینترنشنال، تردیدی نیست که ترومپ بدون رضایت و حمایت به‌وجود آورندگان این مجموعه‌ی عظیم نمی‌توانست



۱۳۸ ■ قدرت پنهان در آمریکا

مدیریت آن را بر عهده بگیرد. در نهایت ترومپ نقش اصلی خود را در ریزورتس اینترنت‌نشال درست زمانی آشکار کرد که «اعلام ورشکستگی» آن رسماً اعلام شد. اما او هنوز یکی از بازیگران اصلی در صحنه‌ی مالی و صنعت قمار است.

بنابراین، هرچند ترومپ به عنوان شخصیت مهم در صحنه‌ی افکار عمومی در آمریکا آشکارا از تبار یهودیان نیست، اما به‌یقین مدیون حمایت نخبگان صهیونیست است و این موضوع مطالب زیادی را در مورد قدرت در ایالات متحده، اورشلیم جدید، آشکار می‌کند. در ادامه به بررسی کسانی می‌پردازیم که به‌یقین نخبگان جدید آمریکا را تشکیل می‌دهند.

